

هتک حرمت امام خمینی^(۱) در روزنامه اطلاعات که به دستور شاه انجام شد و در پی آن قیام تاریخی مردم قم در ۱۹ دی، شتاب انقلاب مردم علیه پهلوی را بیش از پیش کرد

سنگ بنای انقلاب



رسید، او را بدت نسبت به سستی پلیس امنیتی خود خشمگین کرد و برای آنکه مقابله به مثل نماید، دست به انتقام جویی زد؛ بدون مشورت با کسی دستور داد مقاله‌ای سرآپا بدگویی و ناسزا برای صدمه زدن و تخریب خمینی انتشار یابد و وزیر اطلاعات آن زمان، داریوش همایون را مأمور کرد و نیز یکی از روزنامه‌های مهم تهران را وادار ساخت این مقاله را به چاپ برساند. آنطور که از متن این خاطره پیداست دستور نوشتن مقاله را شاه مستقیماً به داریوش همایون داده است و مسؤول اصلی تهیه مقاله شخص شاه بود. ارزیابی‌ها و تحلیل‌ها نیز این ادعا را ثابت می‌کنند؛ چه اینکه غیر از شاه هیچ کس نه چنین جرأتی داشت و نه چنین حماقتی را. تنها نخوت و غرور شاهانه می‌توانست «جرعهای را به بشکه باروت ببندد». به نقل از جهانگیر آموزگار، برادر نخست‌وزیر وقت: «این مقاله که محتوایی مبتذل داشت... به طور گسترده‌ای به عنوان یک دهن‌کجی نه‌تنها نسبت به یک رهبر مذهبی، بلکه به تمام سلسله‌مراتب شیعه... یک حرکت غیرمسئولانه و برخاسته از غرور و تفرعن بود و این تفرعن و غرور را جز شاه هیچ کس نداشت. به هر روی پس از صدور دستور شاه مبنی بر تهیه مقاله علیه امام، همایون هم بلافاصله کار تهیه مقاله را به ۲ نفر از همکاران نامش محول کرد. گویا مقاله مذکور دستپخت شخصی به نام سیدخواه بوده که طرف مدت یکی، دو روز آماده شده است.

۳. چرا در میان این همه مقالات ضد روحانیت این مقاله بستر ساز انقلاب شد؟

در طول دوران پهلوی اول و دوم بارها شاهد توهین مقامات و نشریات حکومتی به ساحت روحانیون هستیم ولی هیچ‌کدام بستر و زمینه‌ساز انقلاب نشد یا یک نیروی محرکه قوی بر ضد حکومت رژیم پهلوی ایجاد نکرد. پس از انتشار این مقاله در دی‌ماه ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات، بر عکس تمام انتظارات دربار و مسؤولان رژیم، با عکس‌العمل بسیار سریع و شدیدی از سوی مردم و مراجع مذهبی روبرو شد. برای فهم این نکته باید علل این عکس‌العمل را در بستر زمانی مکانی و شرایطی که وجود آمده آن زمان سنجید. یکی از علت‌ها آن بود که در آن مقاله به‌طور گسترده‌ای نه تنها نسبت به یک رهبر مذهبی دهن‌کجی شده، بلکه به تمام سلسله‌مراتب شیعه نیز توهین شده بود و این عامل روح مردم مذهبی را به درد آورده بود. علت مهم‌تری که در این زمینه می‌توانیم نام ببریم، شهادت آقا مصطفی خمینی فرزند رهبر انقلاب به دست عوامل رژیم بود که سبب شده بود تا مردم و دوستداران امام به انبار باروتی بمانند که با جرعهای هر چند کوچک، انفجار مهمی را باعث شوند و مقاله رشیدی مطلق در حکم این جرقه بود تا مجدداً تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم تدارک دیده شود. این امر به گونه‌ای بود که مردم ایران پس از انتشار این مقاله در روزنامه اطلاعات، حالت انقلابی به خود گرفتند و دست به اعتراضات سراسری گسترده زدند و این اعتراضات تبدیل به قیام نوزدهم دی‌ماه شد و پس از آن شاهد دومینوی اعتراضات و رخدهای مختلف در بازه‌های زمانی کوتاه علیه رژیم تا زمان سقوط پهلوی در ۲۲ بهمن ۵۷ هستیم.

انتشار مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات قبل از هر جا با واکنش خشم‌آلود مردم قم روبرو شد. با وجود اینکه هنوز روزنامه به قم نرسیده بود، ولی خبر آن در قم پخش شد. به همین خاطر عصر شنبه، ۱۷ دی‌ماه ۵۶ که کامیون حامل روزنامه وارد شهر قم شد، عده کثیری از مردم به آن هجوم بردند و در لحظه‌ای روزنامه‌ها را به آتش کشیدند. سواک در گزارشی وقایع آن روز را چنین شرح داده: «در تظاهرات امشب به عنوان اعتراض، حدود ۱۰۰ عدد روزنامه اطلاعات را پاره کردند. ضمناً به عنوان اعتراض نسبت به توهینی که در روزنامه اطلاعات به خمینی شده بود، کلیه درب‌های حوزه تعطیل بود». شبانه‌ها و صبح‌ها طباطبایی تماشای تلفنی و ملاقات‌های خصوصی با استادان حوزه، تصمیم بر تعطیلی حوزه و جلسات درس گرفتند. ۱۸ دی‌ماه، طلاب که کلاس‌های درس را تعطیل کرده بودند با اجتماع در بیرون مدرسه خان (مدرسه آیت‌الله‌العظمی بروجردی) به طرف منزل مراجع و آیات عظام حرکت کردند، در طی مسیر با دادن شعارهایی به حمایت از امام خمینی پرداختند. جمعیت با شعار «مرگ بر این حکومت یزیدی»، «درد

۱۷ روز دی ۱۳۵۶ همزمان با سالروز کشف حجاب، محمدرشاه‌شاه دست به ریسک بزرگی زد که بعدها از آن به‌نوعی به انتحار سیاسی تعبیر شد. عصر آن روز، روزنامه اطلاعات در صفحه هفتم شماره ۱۵۵۰۶ با درج مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در نام مستعار احمد رشیدی مطلق، نظر خوانندگان را به سوی خود جلب کرد. این مقاله قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را نتیجه همکاری استعمار سرخ (توده‌های) و استعمار سیاه (روحانیون) در مقابل انقلاب سفید شاه و ملت توصیف کرده بود. در این مقاله امام خمینی را «مردی ماجراجو، بی‌اعتقاد و وابسته و سرسپرده به مراکز استعمار و جاه‌طلب» معرفی کرده بودند.

۱- چرا این مقاله در زمانه‌ای که کار تر ندای حقوق بشر سر داد منتشر شد؟
پس از روی کار آمدن جیمی کارتر با شعار حقوق بشر در آمریکا، شاه در ایران بلافاصله اعلام فضای باز سیاسی کرد. در واقع هدف شاه از این اقدام ظاهری دستیابی به چند منظور بود. ابتدا اینکه به‌واسطه این کار دست به تبلیغات جهانی بزند و اتهام سرکوب و رعایت نکردن حقوق بشر در داخل کشور را از خود دور کند و هدف مهم‌تر در زیر لوی فضای باز سیاسی دست به تشخیص افراد انقلابی و میزان قدرت آنها بزند. در ادامه پس از ورود رئیس‌جمهور آمریکا به ایران و سخنان ستایش‌آمیز کارتر در شب اول ژانویه ۱۹۷۸ در کاخ نیاوران و اعلام پشتیبانی بی‌قیدوشرط از رژیم پهلوی، شاه جسارت بیشتری برای سیاست فشار، سرکوب و حذف رهبران مخالف، همچون امام خمینی از صحنه سیاست کشور در زیر لوی فضای باز سیاسی پیدا کرد. انتشار مقاله استعمار سرخ و سیاه، یک هفته پس از بازدید رئیس‌جمهوری آمریکا از ایران، یکی از این موارد بود به صورتی که بر مبنای اظهارات برخی رجال حاکمیت پهلوی می‌توان چنین نتیجه گرفت که مقاله ۱۷ دی ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات نه به دفاع از نظام در برابر حلات امام خمینی، بلکه در امتداد سیاست حزب دموکرات آمریکا و گشایش فضای باز سیاسی برای ظهور و بروز توان نیروهای مخالف، بویژه مردم و اندیشه اسلامی بوده است.

بنا به آنچه احسان نراقی نقل می‌کند: «شبی در یک مراسم میهمانی احمد قریشی را دیدم و به او گفتم: این نوشته (مقاله ۱۷ دی ۱۳۵۶) چقدر احمقانه بود؛ گفتم: در جلسه کمیته مرکزی حزب رستاخیز همین موضوع مطرح بود. داریوش همایون هم آنجا بود و گفت: ما آب رختیم در سوراخ مورچه تا مورچه‌ها بیرون بیایند. تز آقایان این بود کسانی که اهل مبارزه هستند خود را نشان دهند. شاه در مقابل سیاست حزب دموکرات آمریکا و کارتر درباره باز شدن فضای سیاسی، هدفش آن بود که اگر ما آزادی بدهیم اسلامی‌ها با توده‌های سر بلند خواهند کرد، بنابراین شاه مایل بود با این کار سر‌وصدایی بلند شود و مخالفان مذهبی حکومت نمایان شوند». همان‌طور که درباریان شاه نقل می‌کنند گویا این مقاله از یک محاسبه غلط نشأت گرفته بود و رژیم به گمان خود قصد داشت زیر لوی حقوق بشر کارتر، همزمان هم به شخصیت رهبر نهضت اسلامی اهانت کند و از ایشان انتقام بگیرد و هم در زیر پوشش فضای باز سیاسی مخالفان و انقلابیون را شناسایی کند.

۲- نویسنده مقاله چه کسی بود و چه هدفی را دنبال می‌کرد؟
علی باستانی، دستیار سردبیر در امور داخلی و سیاسی روزنامه اطلاعات در آن دوره، درباره چگونگی دریافت مقاله اظهار می‌دارد: «داریوش همایون (وزیر اطلاعات آن زمان) پاکت را که علامت وزارت دربار روی آن بود به من داد و گفت این مقاله باید حتماً در جای مناسبی در روزنامه چاپ شود. شتاب‌زدگی همایون در این کار و اصرار او در چاپ فوری مقاله‌ای که آن را به‌دقت مطالعه نکرد، نشان می‌داد و وی قبلاً در جریان تهیه این مقاله بوده و از مضمون آن آگاهی داشته است». آنطور که از مضمون این خاطره پیداست متن مقاله توسط داریوش همایون، وزیر اطلاعات آن زمان به روزنامه اطلاعات داده شده بود. اما متن و توهین این مقاله به گونه‌ای بود که همایون بدون اجازه و دستور مقامات بالاتر نمی‌توانست دست به چنین اقدامی بزند. برای روشن‌تر شدن موضوع در این ارتباط، فریدون هویدا، سفیر شاه در سازمان ملل و برادر هویدا، وزیر وقت دربار می‌نویسد: «موقعی که خبر ورود و پخش قاچاقی نوارهای خمینی به گوش شاه

ماه ادامه یافت تا در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد. خیر حوادث قم به سرعت در سراسر کشور پخش و منجر به واکنش‌های تندی از سوی گروه‌های مختلف شد. بازار اصفهان از چهارشنبه ۲۱ دی‌ماه به مدت ۶ روز تعطیل بود. نجف‌آباد از روز شنبه، ۲۴ دی ۵۶، تعطیل بود. مدتی به مدت ۳ روز یکپارچه تعطیل بود. در مشهد نیز همان روز یکشنبه، ۱۸ دی‌ماه تظاهرات گسترده‌ای در خیابان نادری انجام شد. علمای تهران اعلامیه‌ای با امضای حدود ۱۲۰ نفر صادر کردند و نخست‌وزیری فرستادند که در قم نیز پخش شد، همچنین بازارهای و عواظ تهران اعلامیه‌هایی در تقبیح اعمال وحشیانه دولت صادر کردند که همه در قم نیز پخش شد.

همچنین در بهمن اعلامیه‌ای از سوی روحانیون مبارز خارج از کشور درباره انعکاس خواسته‌های ملت ایران به خارج از کشور صورت پست شد. سر هم با صورت همزمان در کشور نیز پخش شد. متن اعلامیه به

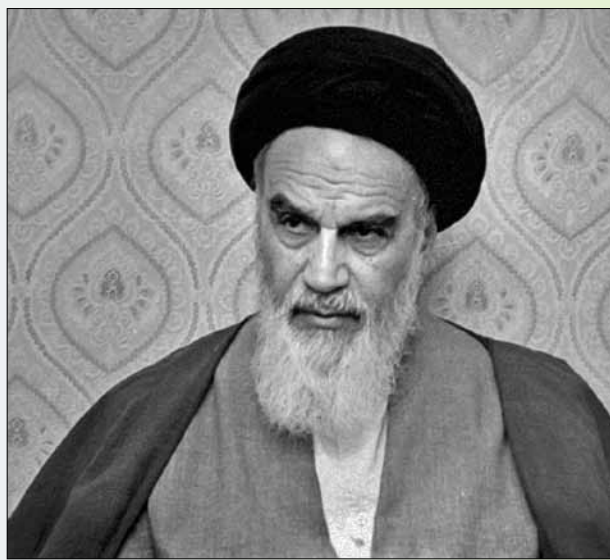
حقوق پایمال شده ملت شریف ایران توسط دودمان نتگین پهلوی اشاره می‌کرد و در آن از سیاست حمایتی «کارتر» از شاه در مقابل ملت ایران انتقاد شده بود. این اعلامیه با زیر سؤال بردن عملکرد کمیسیون حقوق بشر که هیچ اقدامی در این زمینه انجام ندهاده بود، این کمیسیون را عملاً در اختیار قدرت‌های بزرگ برای سرپوش گذاشتن به اعمال نتگین خود دانسته بود.

انتهای مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به لحاظ نتایج و پیامدها از چند نظر شایان توجه است: اول آنکه پشت پرده شعار توخالی حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی شاه را، به مردم ایران نشان داد و دوم باعث تعمیق و مردمی شدن نهضت و شرکت هر چه بیشتر توده‌های مردمی و مذهبی شد و از آن پس آهنگ انقلاب به صورت پشت سر هم با صورت و محتوای کاملاً اسلامی شتاب فزاینده و گسترده‌تری به خود گرفت.

انجام گرفت سرسختانه مخالف است. ملت ایران اصلاحات ادعایی را که به بدبختی ملت و بازارسازی برای اجانب و ورشکستگی زراعت منتهی شد افساد و خرابکاری می‌داند. در کشوری که دردمش در این ۵۰ سال حکومت جائزانه پهلوی روی آزادی ندیده‌اند، دم زدن از آزادی زنها مسخره و اغفال است. رژیم می‌که در مأموریت برای وطنش از جانب اجانب، سرلوحه خدمتش محو اسلام و احکام آن است و با تغییر تاریخ پرافتخار اسلام به تاریخ پستی و روسیاهان تاریخ می‌خواهد اسم اسلام را محو کند، دم زدن از اسلام و قرآن کریم جز فریب و مضحکه عنوانی ندارد.

ایمام خمینی واکنش به اقدام رژیم پهلوی و هتک حرمت علما، طلاب و مردم، در پیامی آن را مصیبتی بزرگ خواندند. امام خمینی سرکوب قیام ۱۹ دی را نشانه نزدیک بودن پیروزی انقلاب اسلامی و استیصال رژیم شاه تلقی کردند و از فعالان سیاسی خواستند از طرح بحث لزوم اجرای قانون اساسی خودداری کنند، چرا که این امر به مفهوم حفظ نظام سلطنتی خواهد بود در حالی که تمام مشکلات از وجود همان رژیم است و تنها راه باقیمانده سقوط آن است و برای همدردی و جدیت در مبارزه، درس‌های خودشان را به مدت یک هفته تعطیل و مهم‌تر از همه اینکه برای نشان دادن اهمیت مسأله، فریضه مهم نمازجماعت را نیز تعطیل کردند.

در بخشی از این پیام، امام خمینی می‌فرماید: «روسیاه باد رژیم که علمای عظیم‌الشأن اسلام را با رژیم منحط خود و انقلاب خونین رسوای خود موافق معرفی می‌کند، رسوا باد رژیمی که از وحشت‌زدگی می‌خواهد با افتراء به فقهای مذهب، ملت را اغفال کند. ملت ایران که پیشرو آن روحانیت است با انقلاب قلابی که به امر اجانب سودجو



روسیاه باد رژیمی که علمای اسلام را با رژیم منحط خود موافق معرفی می‌کند

پیام تاریخی امام خمینی^(۲) در واکنش به هتک حرمت علما توسط محمدرضا پهلوی

و دهقانان و جناح‌ها و طبقات محترم داخل و خارج کشور- ایدهم‌الله تعالی- و از همه صمیمانه و با عرض تشکر خواستارم پیوستگی و وحدت کلمه خود را حفظ و از مناقشات تفرقه‌انداز احتراز نمایم، و با صدای واحد و ندای همگانی در راه استقلال کشور و قطع ایدای اجانب و عمال وابسته آنها کوشش کنند، و با اتکا به خدای متعال و احکام عدالت‌پرور اسلام همدست و همدانان شوند، و به آنها که از چارچوب قانون اساسی دم می‌زنند تذکر اکید دهند که با این کلمه صحنه به رژیم سلطنتی فاسد موجود نگذارند که تا این دودمان فاسد بر مقدرات کشور حکومت می‌کنند، ملت ایران نه از اسلام بهره‌مند می‌شوند و نه از آزادی و استقلال کشور خبری است و نه مردم روی سعادت می‌بینند.

از خداوند متعال عظمت اسلام را که کفیل وحید عدالت و استقلال و مدافع حقیقی مظلومان است، خواستار و ملت ایران بویژه جوانان متدین برومندش را به خدای متعال می‌سیارم. والسلام علیکم ورحمه‌الله.